

The confrontation of the "Peykar organization for the Liberation of the Working Class " with the Islamic Revolution (1979-1981)

Mozafare Shahedi¹

Doi: [10.22034/te.2024.189775](https://doi.org/10.22034/te.2024.189775)

Abstract

Research Paper

Although in the process of expansion and victory of the Islamic Revolution of Iran in the years 1356-1357, the Islamist current played a decisive role; But the Islamic Revolution of Iran benefited from the presence and sometimes effective participation of leftist, liberal nationalist political parties and groups and some groups with twin Islamist, leftist and nationalist tendencies. Peykar organization for the Liberation of the Working Class was one of the organizations that had a small presence in the margins of the political developments that led to the victory of the Islamic revolution.

With regard to the general nature of the revolution and the constitution of the Islamic Republic, which despite the presence and participation of political movements and parties with different and sometimes conflicting political ideas and interests, presented a conditional reading of pluralism, partisanship and party politics, the following article attempts to This question should be answered: Peykar organization From the eve of the victory of the revolution until June 1360, what was the approach of the Islamic Revolution as a whole and as a result, political pluralism and moderation?

The current research is done by historical investigation method (descriptive-analytical) and by using process tracing technique. The findings of the research show that since the very beginning, Peykar organization evaluated the Islamic revolution as an incomplete revolution, and in the face of it, it took the path of disharmony, conflict and ultimately conflict. The intellectual foundations and political approach of the fighting organization had an obvious conflict with political pluralism and tolerance.

Keywords: Peykar organization for the Liberation of the Working Class, Islamic revolution, pluralism, totalitarianism, Marxism.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



1. PhD (History of Islamic Revolution), Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Thran, Iran. Senior Researcher at Institute of Contemporary History.
Email: mozaffarshahedi@gmail.com

مواجهه «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» با انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۶۰)

مظفر شاهدی^۱

Doi: 10.22034/te.2024.189775

مقاله پژوهشی

چکیده: اگرچه در روند گسترش و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷، جریان اسلامگرا نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد؛ اما انقلاب اسلامی ایران از حضور و مشارکت گاه مؤثر احزاب و گروه‌های سیاسی چپ، ملی‌گرای لیبرال و برخی گروه‌های دارای گرایش‌های توأمان اسلامگرا، چپ و ملی‌گرا نیز برخوردار شد. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر از جمله تشکلهایی بود که در حاشیه تحولات سیاسی منجر به پیروزی انقلاب اسلامی حضور کم‌رنگی داشت. با عنایت به ماهیت کلی انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی، که به‌رغم حضور و مشارکت جریان‌ها و احزاب سیاسی دارای افکار و علایق سیاسی متفاوت و گاه متعارض، قرائتی مشروط از تکثرگرایی، تحزب و سیاست‌ورزی حزبی ارائه می‌داد، در مقاله پیش رو تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که: سازمان پیکار، از آستانه پیروزی انقلاب تا خرداد ۱۳۶۰، چه رویکردی نسبت به کلیت انقلاب اسلامی و به‌تبع آن، تکثرگرایی و مداراجویی سیاسی داشت؟ پژوهش حاضر به روش بررسی تاریخی (توصیفی-تحلیلی) و با بهره‌گیری از تکنیک ردیابی فرایند انجام می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سازمان پیکار از همان آغاز، انقلاب اسلامی را انقلابی ناتمام ارزیابی کرده و در مواجهه با آن مسیر ناهمسازگری، تعارض و نهایتاً منازعه در پیش گرفت. مبانی فکری و رویکرد سیاسی سازمان پیکار تعارض آشکاری با تکثرگرایی و مداراجویی سیاسی داشت.

کلیدواژه‌ها: سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، انقلاب اسلامی، تکثرگرایی، توتالیتراریسم، مارکسیسم.

۱. دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. پژوهشگر ارشد در پژوهشکده تاریخ معاصر.
Email: mozaffarshahedi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۳

مقدمه

فاصله ۹ ماهه پیروزی انقلاب از بهمن ۱۳۵۷ تا تصویب و تأیید نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی در آذر ۱۳۵۸، از آن جهت اهمیت بیشتری دارد که طی آن با رفراندوم روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ عنوان نظام پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رسماً جمهوری اسلامی تعیین شد و با تصویب قانون اساسی جدید در مجلس خبرگان و تأیید آن در همه‌پرسی روز ۱۱ آذر ۱۳۵۸، بنیان‌های حقوقی- قانونی نظام جمهوری اسلامی تثبیت شده، رسمیت یافت.

امام خمینی در دوره انقلاب اسلامی تصریح کرده بود که در نظام جمهوری اسلامی تکثرگرایی، تحزب و سیاست‌ورزی مسالمت‌آمیز حزبی گروه‌های سیاسی رقیب به شرط رعایت موازین اسلامی و مصالح ملی، به رسمیت شناخته خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، صص ۲۴۸ و ۲۶۶ و ۴۳۲-۴۳۱ و ج ۵، صص ۲۲۴-۲۲۳ و ۴۸۲). به‌رغم تعارضات سیاسی و ایدئولوژیکی احزاب و گروه‌های سیاسی متعدد به انقلاب پیوسته، که با ناهمسازگری و منازعه‌جویی برخی گروه‌ها و احزاب رادیکال هم توأم بود؛ در فرایندی که به تصویب و تأیید نهایی قانون اساسی منتهی شد تکثرگرایی، تحزب و سیاست‌ورزی حزبی بر مبنای همان رأی امام خمینی در چارچوب قانونی- حقوقی نظام جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شد.^۱

با عنایت به این امر که سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷، نقش چندان مؤثری در گسترش و پیروزی انقلاب ایفا نکرده بود و بلکه حضوری کم‌رنگ داشت؛ مسئله پژوهش حاضر بررسی تاریخی و تبیین علّی سطوحی از مبانی فکری و رویکرد سیاسی آن سازمان است که آن را با کلیت انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی در تعارض قرار داده در مسیر ناهمسازگری و نهایتاً منازعه مسلحانه و قهرآمیز سوق داد. مبانی فکری و رویکرد سیاسی سازمان پیکار چه نسبتی با تکثرگرایی، مداراجویی و سیاست‌ورزی رقابت‌آمیز حزبی داشت و چرا این سازمان انقلاب ایران را انقلابی ناتمام ارزیابی کرده در مواجهه با آن مسیر تعارض و منازعه

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: قانون اساسی جمهوری اسلامی ۱۳۵۸، اصل ۲۶.

آشتی‌ناپذیر سیاسی را در پیش گرفت؟

مدعای ما بر این فرض استوار است که مبانی فکری و رویکرد سیاسی سازمان مارکسیست-لنینیست سازمان پیکار، تمامیت‌خواهانه و انحصارگرایانه بود و تعارضی حل‌ناشدنی با تکثرگرایی و مداراجویی سیاسی داشت. این سازمان در پی تداوم تحولات انقلابی و رادیکال‌سازی فضای سیاسی و اجتماعی تا شکل‌گیری یک نظام مارکسیستی در ایران بود.

۱. پیشینه تحقیق

تاکنون در این باره پژوهش مستقل منسجمی صورت نگرفته است. به‌ویژه بیان مسئله، طرح پرسش و مدعایی که هدف تبیین شکاف معرفتی در موضوع پژوهش را دنبال می‌کند با رویکرد تحقیقی جدیدی طرح شده است. از جمله امیرحسین گنج‌بخش که در آن دوره عضو سازمان پیکار بود، مدتی بعد در مصاحبه‌ای که در چارچوب پروژه تاریخ شفاهی ایران با هرمز حکمت انجام داد پیرامون چگونگی تکوین و شکل‌گیری و فعالیت آن سازمان در سال‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اطلاعات سودمندی ارائه می‌دهد، اما در موضوع تکثرگرایی و تحزب و به تبع آن ناهم‌سازگری سیاسی، ایدئولوژیکی و نظری با ماهیت و محتوای فکری و سیاسی نظام جمهوری اسلامی که سازمان پیکار را در تعارض با آن قرار داد، روایت او ابتر باقی می‌ماند (گنج‌بخش، برنامه تاریخ شفاهی، ۱۹۹۱، صص. ۳۲-۱۱). روایت حسین احمدی‌روحانی دیگر عضو سازمان پیکار در موضوع رویکرد آن سازمان به جایگاه تحزب و سیاست‌ورزی حزبی که موجبات ناهم‌سازگرایی سازمان پیکار با کلیت تحولات سیاسی پساانقلابی ایران را فراهم آورد، نیز کمابیش به همان ضعف روایتی و تحلیلی گزارش امیرحسین گنج‌بخش مبتلا است. علی‌ایحال حسین روحانی روایتی سودمند از روند شکل‌گیری سازمان پیکار و برخی دلایل سیاسی و فکری جدایی زود هنگام سازمان پیکار از تحولات انقلابی آن روزگار ارائه داده است (احمدی‌روحانی، ۱۳۸۴، متعدد). مازیار بهروز در کتابش (شورشیان آرمانخواه) بخش‌هایی را هم به فرایند

تأسیس و فعالیت سازمان پیکار در سال‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص داده است. با این احوال پیرامون رویکردها و مبانی فکری و سیاسی تکثرستیزانه پیکار و دلایل سیاسی، فکری و ایدئولوژیکی‌ای که آن سازمان را در تعارض با نظام نوپای انقلابی قرار داد اطلاعات درخوری ارائه نمی‌دهد (بهروز، ۱۳۸۰، صص. ۱۳۷-۱۳۲ و ۲۰۹-۲۰۶).

۲. تبارشناسی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

جناح مارکسیست‌شده سازمان مجاهدین خلق در بهمن ۱۳۵۷ و در آستانه پیروزی انقلاب، عنوان «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» را برگزید. سازمان مجاهدین خلق که از سال ۱۳۴۴ و با هدف مبارزه مسلحانه و چریکی فعالیت خود را آغاز کرده بود؛ بی‌آن‌که هنوز اقدامی علیه حکومت انجام دهد در شهریور ۱۳۵۰ مورد تهاجم نیروهای امنیتی قرار گرفت و اکثری از رهبران و اعضای برجسته آن دستگیر شدند. مبانی فکری-ایدئولوژیکی و سیاسی سازمان مجاهدین خلق ترکیب و تلفیقی از اسلام و مارکسیسم بود. پس از ضربه شهریور ۱۳۵۰ رهبری سازمان به نسل جدیدی از اعضا منتقل شد که اکثری از آنها برخلاف بنیانگذاران سازمان، نسبت به کارآمدی ایدئولوژی اسلام در پیشبرد مبارزه با حکومت تردید داشتند. از یکی دو سال منتهی به اعلام تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق رهبری سه‌شاخه اصلی سازمان بر عهده بهرام آرام (۱۳۲۳-۱۳۵۵)، تقی شهرام (۱۳۲۷-۱۳۵۹) و مجید شریف‌واقفی (۱۳۲۸-۱۳۵۴) قرار داشت.

لااقل از سال ۱۳۵۲ در درون کادر رهبری بحث ضرورت تبعیت تمام و کمال سازمان از مارکسیسم-لنینیسم مطرح بود. ولی طرح تغییر ایدئولوژی با مخالفت اعضای اسلام‌گرای سازمان روبرو شد. مجید شریف‌واقفی در رأس مخالفان بود. وقتی جناح مارکسیست‌شده سازمان اطلاع پیدا کرد که شریف‌واقفی قصد دارد با تجدید سازمان جریان اسلام‌گرا فعالیت مستقلی را شروع کند، در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴ او را به قتل رساند. نهایتاً در شهریور ۱۳۵۴ اعلام شد که سازمان مجاهدین خلق ایدئولوژی اسلام را

رها کرده و از آن پس منحصرأ از مبانی فکری و سیاسی مارکسیسم-لنینیسم پیروی خواهد کرد. تقی شهرام، بهرام آرام، وحید افراخته، علیرضا سپاسی آشتیانی، حسین احمدی روحانی، تراب حق شناس، پوران بازرگان، محسن فاضل، قاسم عابدینی، ابراهیم نظری، حسن آلاذپوش، و افخم احمدی شناخته شده ترین اعضای جناح مارکسیست شده سازمان بودند. تبعیت از مارکسیسم که با تصفیه های درونی و دستگیری یا قتل برخی از اعضای برجسته در درگیری با نیروهای امنیتی همراه بود، موقعیت سازمان مجاهدین خلق را به شدت تضعیف کرد. جناح مارکسیست شده، با تغییری جزئی در آرم سازمان تا سقوط رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ با همان عنوان سازمان مجاهدین خلق فعالیتش را ادامه داد.

به ویژه کشته شدن بهرام آرام در مهر ۱۳۵۵ بیش از پیش موجب رکود سازمان شد. در همان حال تقی شهرام که به نظر می رسید از ادامه مبارزه مسلحانه نومید شده است از کادر رهبری سازمان کنار گذاشته شد. تا جایی که در سال های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ و تا آستانه پیروزی انقلاب جناح مارکسیست شده سازمان مجاهدین خلق قادر نشد نقش قابل توجهی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا کند. به رغم این احوال در سال های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر مهمترین پرچمدار مائوئیسم و استالینیسم در ایران بود و با انتقاد شدید از اصلاحات پسامائو حملات تندی را متوجه چین و شوروی می کرد و حزب توده را هم ستون پنجم شوروی می دانست. در سال های پس از پیروزی انقلاب حسین روحانی، علیرضا سپاسی آشتیانی و تراب حق شناس نقش مهمتری در هدایت سازمان پیکار ایفا کردند (احمدی روحانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۷۹-۱۴۳؛ مهرآبادی، ۱۳۸۴، صص. ۸۵-۷۵؛ بهروز، ۱۳۸۰، صص ۱۳۷-۱۳۲ و ۲۰۷-۲۰۶؛ احمدی حاجیکلاهی، ۱۳۸۷، صص ۳۲۹-۳۱۱).

۳. تحلیل سازمان پیکار از ماهیت انقلاب

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که در تحولات دوره انقلاب نقش قابل ذکری نداشت و در آستانه پیروزی انقلاب دچار نوعی سردرگمی و بی عملی سیاسی شده بود، هیچ نشان نداد که از حداقل آمادگی لازم برای حضور و مشارکت سیاسی

مسالمت‌آمیز در فضای سیاسی و اجتماعی ایران پسانقلابی برخوردار است. هر دو قطعنامه جناح اکثریت و اقلیت کنگره سازمان پیکار در اسفند ۱۳۵۷،^۱ با این مدعا که هنوز انقلاب مردم ایران به پیروزی مورد نظر آن سازمان نرسیده است، دولت موقت بازرگان و جریان اسلامگرایی تحت رهبری امام خمینی را سازشکار و نماینده سرمایه‌داری لیبرال و خرده‌بورژوازی ارزیابی کرده و خواستار تداوم مبارزه با جریان حاکم شده بودند (احمدی‌روحانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۹۲-۱۹۱). در قطعنامه جناح اقلیت سازمان «قیام ۲۲ بهمن» صرفاً «به‌مثابه اولین گام انقلاب» ارزیابی شده و تأکید شده بود که «به‌دلیل خیانت لیبرال‌ها و دیگر نیروهای سازشکار همراه آن... حرکت توده‌ها در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته دچار نوعی توقف شده» است. بنا به عقیده جناح اقلیت «به‌سرعت ماهیت رژیم حاکم و خیانت آن برای توده‌ها روشن گشته و آنها به حرکت انقلابی و حتی مسلحانه خود علیه حاکمیت ادامه خواهند داد و با سرنگونی و به‌زیر کشیدن آن بر سرنوشت خود حاکم خواهند شد». قطعنامه اقلیت لیبرال‌های راه گشوده به دولت و شورای انقلاب را «یک نیروی ضدانقلاب و ارتجاعی» و «جناح خرده‌بورژوازی» را نیز «به‌دلیل سازشکاری‌اش با لیبرال‌ها» غیرانقلابی می‌دانست و «وظیفه تمامی نیروهای کمونیستی و انقلابی را در این می‌دید که علیه این رژیم... به‌مبارزه علیه آن برخیزند». جناح اقلیت در پایان قطعنامه خود افزوده که: «باید پس از یک دوره خیلی کوتاه کار سیاسی و افشاگرانه، مبارزه مسلحانه را علیه رژیم جهت سرنگونی آن شروع کرد و سازمان باید از هم‌اکنون و به‌سرعت زیاد تمامی شرایط و امکانات لازم نظامی را فراهم آورد و آگاهانه و با آمادگی قبلی به پیشواز انقلاب توده‌ها برود و حداکثر کوشش خود را برای تأمین رهبری طبقه کارگر بر این انقلاب و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق به‌کار گیرد» (احمدی‌روحانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۹۴-۱۹۳).

۱. کنگره سازمان پیکار در اسفند سال ۱۳۵۷ و با حضور افراد مشروحه زیر تشکیل شد: علیرضا سپاسی‌آشتیانی، قاسم عابدینی، حسین احمدی‌روحانی، شهرام محمدیان، محمدعلی رحمانی، مسعود پورکریم، محمد نمازی، بهجت مهرآبادی، احمدعلی روحانی، سلیم، ایوب (هر دو نام مستعار)، نسرین ایزدی، عباس مدنی و مظاهر محمودی (احمدی‌روحانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۹۰).

امیرحسین گنج‌بخش از اعضای سازمان پیکار بعدها در خاطرات خود تصریح کرد، در آستانه پیروزی انقلاب آن سازمان ذهنیت چندان روشنی از نقش و جایگاهی که می‌توانست و باید در ایران پساانقلابی ایفا کند نداشت؛ و به‌ویژه از آمادگی لازم برای مشارکت مسالمت‌آمیز حزبی در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران برخوردار نبود و اساساً ماهیت انقلابی را که به‌عمر رژیم پهلوی پایان داده بود، به‌رسمیت نمی‌شناخت و خواستار تداوم مبارزه با نظام پساانقلابی ایران بود (گنج‌بخش، ۱۹۹۱، صص ۱۹-۱۷).

انتقادات و بلکه حملات سازمان پیکار منحصر و محدود به جریان ملی‌گرای لیبرال و اسلامگرایان نبود. این سازمان در نوشته‌ها و مواضع سیاسی خود به‌ویژه حملات شدید و آشتی‌ناپذیری را متوجه حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق می‌کرد (پیکار، شماره ۲، صص ۶-۵؛ شماره ۳، ص. ۱۲؛ فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، صص ۳۷۶-۳۷۵) که نشان می‌داد مبانی فکری و رویکرد سیاسی آن با تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی نسبتی ندارد.

۳. سازمان پیکار در مسیر ناهمسازگری

سازمان پیکار طی اعلامیه‌ای که در ۹ فروردین ۱۳۵۸ منتشر شد شیوه برگزاری فراندوم تعیین نوع نظام را انحصارطلبانه، فریبکارانه و غیردموکراتیک ارزیابی کرده آن را تحریم کرد (آیندگان، شماره ۳۳۲۰، ص. ۱۰).

سازمان پیکار، به‌رغم آن‌که فراندوم تعیین نوع نظام را تحریم کرده بود، اما امیدوار بود خواست‌ها و علایق سیاسی و اقتصادی آن در متن قانون اساسی جدید تأمین شود. این سازمان مارکسیست‌لنیست، در اردیبهشت ۱۳۵۸ انتظار داشت «طبقه کارگر» در تشکیل مجلس مؤسسان نقشی مؤثر ایفا کند، «حقوق ملی خلق‌های ایران» به‌شکل خودمختاری محلی، در قانون اساسی تضمین شود، «قانون اساسی جدید مدافع منافع زحمتکشان باشد» (پیکار، شماره ۲، ص. ۳).

سازمان پیکار برای نظام نوپای جمهوری اسلامی و دولت موقت انقلاب مشروعیتی قائل نبود و ادعا می‌کرد «قیام شکوهمند مسلحانه توده‌ها و مبارزات انقلابی آنان» از

سوی «بورژوازی حاکم» که حاصل «سازش بورژوازی لیبرال با بخشی از بورژوازی وابسته و ائتلاف با خرده‌بورژوازی مرفه» می‌باشد، «به‌ناحق غضب» شده است (پیکار، شماره ۳، ص. ۸). سازمان پیکار ضمن این که از تحریکات احزاب و گروه‌های سیاسی رادیکال و منازعه‌جوی عمدتاً چپ در کردستان و برخی دیگر از مناطق کشور حمایت می‌کرد، به‌ویژه حملات شدیدی را متوجه حزب توده می‌نمود که به‌زعم آن سازمان، علیه منافع طبقه کارگر و محروم جامعه با نظام نوپای جمهوری اسلامی متحد شده است. انتقادات و بلکه حملات پیکار به دولت و جریان اسلامگرایی تحت رهبری امام خمینی کمتر مداراگرانه و بیشتر منازعه‌جویانه و آشتی‌ناپذیر می‌نمود (پیکار، شماره ۴، ص. ۸). چنان که وقتی آیت‌الله بهشتی دبیر کل حزب جمهوری اسلامی در خرداد ۱۳۵۸ از ماهیت اسلامی انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی سخن به‌میان آورد سازمان پیکار این رویکرد به‌انقلاب و نظام پسانقلابی را عدول آشکار از خواست‌ها و اهداف انقلاب مردم ایران ارزیابی کرد و هشدار داد که تحدید نظام پسانقلابی ایران در چارچوب ارزش‌ها و آموزه‌های دینی و به‌تبع آن نادیده گرفتن حقوق و علایق سیاسی گروه‌های دگراندیش رقیب، سرنوشت محتوم شکست و ناکامی زود هنگامی را برای انقلاب رقم خواهد زد (پیکار، شماره ۶، صص. ۱ و ۳).

سازمان پیکار به‌ویژه با برخورد‌های دولت موقت و نیروهای طرفدار نظام جمهوری اسلامی با اقدامات عمدتاً قهرآمیز و منازعه‌جویانه برخی گروه‌های سیاسی رادیکال، در کردستان، خوزستان، گنبد و ترکمن‌صحرا و دیگر مناطق کشور مخالفت می‌کرد و هشدار می‌داد که حاکمیت ضرورتاً باید با خواست‌های به‌زعم خود مشروع خلق‌های ایران، که خودمختاری محلی مهمترین آنها بود، موافقت نماید (پیکار، شماره ۸، صص. ۱-۳). هنگامی که اعلام گردید به‌جای مجلس مؤسسان، مجلس خبرگان عهده‌دار بررسی و تصویب قانون اساسی خواهد شد سازمان پیکار طی بیانیه‌ای شدیدالحن این تصمیم جدید را مورد انتقاد قرار داد که به‌زعم آن سازمان هدف جلوگیری از حضور نمایندگان واقعی مردم در مجلس و تصویب قانون اساسی مورد وثوق جامعه ایرانی را دنبال می‌کند (پیکار، شماره ۸، صص. ۲-۱).

وقتی پیش‌نویس قانون اساسی مصوب دولت و شورای انقلاب منتشر گردید،

سازمان پیکار انتقادات صریحی را متوجه محتوای آن کرد و متن منتشره را جز آن که خواست‌ها و علایق سیاسی و اقتصادی جریان اسلامگرا و متحدان آنها در دولت موقت را برآورده سازد، فاقد هرگونه نقطه قوت برای «طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان» جامعه ارزیابی کرده، تصویب نهایی آن را سراسر نافی اهداف انقلاب مردم ایران برشمرد (پیکار، شماره ۱۰، صص. ۱ و ۵-۴).

به‌رغم این احوال سازمان پیکار در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان طی بیانیه‌ای مشترک با چند گروه مارکسیست لنینیست دیگر، ضمن این که تصریح کرد پیشاپیش می‌داند قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان نخواهد توانست خواست‌ها و منافع اقشار محروم کشور را برآورده سازد اعلام کرد نه به هدف حضور مؤثر در مجلس خبرگان، بلکه به‌قصد افشاگری پیرامون شرایط غیردموکراتیک و انحصارگرایانه رقابت‌ها، در رقابت‌های انتخاباتی حضور پیدا می‌کند (پیکار، شماره ۱۴، ص. ۱۲).

سازمان پیکار ضمن آن که از برخی گروه‌های چپ، بالاخص حزب توده به‌شدت انتقاد می‌کرد و آن را فرصت‌طلب و ریویزیونیست^۱ می‌دانست که به حقوق و منافع طبقه کارگر و زحمتکش بی‌اعتنا بوده و با جریان اسلامگرا و متحدان آنها همراهی و همگامی می‌کند از همان اوایل سال ۱۳۵۸ بدان سو تلاش می‌کرد میان احزاب و گروه‌های مختلف مارکسیست لنینیست رادیکال در مواجهه با دیگر جریان‌های سیاسی دگراندیش سهامدار انقلاب، نوعی وحدت و همبستگی سیاسی و تشکیلاتی ایجاد کند. به‌دنبال اعلام نتایج انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، سازمان پیکار انتقادات شدیدی را متوجه فرایند برگزاری آن نمود و با نكوهش سلطه انحصاری حزب جمهوری اسلامی و جریان اسلامگرا بر انتخابات، از آن به مثابه انتخاباتی «قلابی» سخن به میان آورد که «لکه‌نگی» دیرپا و نازدودنی «بر دامان هیئت حاکمه» ایجاد خواهد کرد (پیکار، شماره ۲۲، ص. ۱۲).

وقتی به‌دنبال گسترش رادیکالیسم و بحران آفرینی‌های گاه‌خونین گروه‌های سیاسی

۱. revisionist، تجدیدنظرطلب

تندرو در مناطق مختلف کشور، با نظر مساعد امام خمینی از مرداد ۱۳۵۸ برخورد نیروهای وفادار به نظام جمهوری اسلامی با احزاب و جریان‌های سیاسی منازعه‌جو و تنش‌آفرین شدت گرفت و در آن میان دفاتر و نشریات برخی از مهمترین گروه‌های سیاسی چپ و از جمله سازمان پیکار تعطیل و یا مورد حمله قرار گرفت این سازمان که طی چندماهه گذشته مشی ناهمسازگرایانه و تندروانه‌ای در قبال حاکمیت دنبال می‌کرد این رویکرد غیرمسالمت‌آمیز و تحدیدکننده را، به شدت مورد انتقاد قرار داد و جمهوری اسلامی را حکومتی فاشیستی خواند که مبانی فکری و رویکرد سیاسی آن با دموکراسی و تکثرگرایی سیاسی و حزبی تعارضی جدی دارد (پیکار، شماره ۱۹، صص. ۲-۱).

سازمان پیکار ضمن این که نظام جمهوری اسلامی را مورد نکوهش قرار می‌داد که از «توهم و ناآگاهی میلیون‌ها توده» که تصور می‌کنند «شما خواسته‌هایشان را برآورده خواهید ساخت»، به مثابه ابزاری برای سرکوب و از میان برداشتن احزاب و جریان‌های سیاسی دگراندیش و ناهمسو سوء استفاده می‌کند اما هشدار می‌دهد: «فردا که این توده‌ها پی ببرند که شما قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی آنها نیستید، همان‌طور که شما را بالا برده‌اند، بلدند که چگونه از آن بالا به‌زیرتان کشند! و تاریخ بسیار از این نمونه‌ها دارد!» (پیکار، شماره ۱۹، ص. ۲).

سازمان پیکار که در شهریور ۱۳۵۸ دامنه حملات خود به نظام جمهوری اسلامی را بیش از پیش افزایش داده بود و آشکارا از گروه‌های سیاسی منازعه‌جو و تنش‌آفرین در کردستان و دیگر مناطق کشور حمایت می‌کرد؛ تصویب اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان را مقدمه‌ای برای احیای خلافت اسلامی در ایران ارزیابی کرد که به‌زعم آن سازمان، دموکراسی، آزادی و تکثرگرایی سیاسی اولین قربانی آن وضعیت خواهد بود. تحلیل انتقادی کمابیش بسیار تند و ناهمسازگرایانه پیکار در این باره چنین بود: «قشریون متحجر در صددند تا روبنای سیاسی دلخواه خود را که چیزی جز استقرار نهادهای فئودالی و حتی ماقبل فئودالی نیست، در تمامی عرصه‌ها جاری کنند. ما اکنون شاهد کوشش‌هایی هستیم که از جانب ارتجاع حاکم و در جهت شکل دادن به نظامی متضاد صورت می‌گیرد... در عرصه زیربنا استقرار روابط سرمایه‌داری و در پهنه روبنا

حاکمیت نهادهای پوسیده و کهنه فتودالی را هدف قرار داده است. هم‌اکنون به خوبی می‌توان دید که عرصه مورد توجه خرده‌بورژوازی مرفه سنتی و در رأس آن آیت‌الله خمینی عمدتاً به‌روبنای سیاسی محدود می‌شود. طبیعی است که این روبنای کهنه با آن زیربنای اقتصادی که بورژوازی کمر همت به استقرار آن بسته است نمی‌تواند در مجموعه واحدی همزیستی کند... قریب به هفتاد سال پیش وقتی که ارتجاع در پوشش مشروعه‌خواهی توانست اصلی را در قانون اساسی بگنجانند که طبق آن ۵ نفر از روحانیون حق و توی قوانین مصوبه مجلس شورای ملی را داشته باشند، در عمل هیچگاه مجال استفاده از چنین حقی را نیافت. لکن اکنون پس از گذشت هفتاد سال... هیئت حاکمه اصلی را مقام قانونی می‌دهد که صد بار ارتجاعی‌تر از آن قانونی است که هفتاد سال پیش در عمل داغ باطل بر پیشانی‌اش خورد. رابطه چوپان و گله‌ای که از ابتدا از جانب هیئت حاکمه مبنای کار قرار گرفته بود، سرانجام در هفته‌ای که گذشت جنبه قانونی یافت: اصل ولایت فقیه به‌تصویب مجلس خبرگان درآمد. اصلی که آشکارا حقوق ملت را نادیده می‌گیرد. اصلی که آشکارا دهن کجی به‌آراء مردم است. اصلی که بدعت‌گذارانش خواب خلافت دیده‌اند و سرانجام اصلی که ده‌ها سال بازگشت به قهقرا را نوید می‌دهد» (پیکار، شماره ۲۱، ص. ۱۰).

در ۲ مهر ۱۳۵۸ پیکار، ارگان رسمی سازمان پیکار با متهم کردن جریان اسلامگرا و رهبری انقلاب به عدول از وعده‌ها و شعارهای آزادی‌خواهانه، تکثرگرایانه و دموکراتیک دوره انقلاب، حملات شدیدتری را متوجه اصل ولایت فقیه مصوب مجلس خبرگان قانون اساسی کرده، آن را «گشادترین کلاهی» دانست «که به‌سر مردم ایران می‌رود» (پیکار، شماره ۲۲، صص. ۳-۱).

سازمان پیکار به‌طور مکرر حمایت‌های گسترده مردم کشور از نظام نوپای جمهوری اسلامی را تقبیح می‌کرد در همان حال حاکمیت را به خاطر برخورد قاطع با ضدانقلاب و گروه‌های سیاسی رادیکال و منازعه‌جو در کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا و دیگر مناطق کشور به‌شدت مورد انتقاد قرار می‌داد و مواجهه قهرآمیز و خونین مخالفان با حاکمیت را می‌ستود (پیکار، شماره ۲۵، صص. ۲ و ۱۴).

در آن میان واقعه اشغال سفارت آمریکا در تهران توسط جریان اسلامگرا، سازمان

پیکار را که اکنون در مسیر منازعه و دشمنی آشکار با نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته بود، شگفت زده کرد که پیش از آن بارها، آن را به حمایت از امپریالیسم و بورژوازی وابسته (که دولت موقت نماد بارز آن محسوب می‌شد) متهم نموده بود. پیکار که علاقه نداشت در پی آن همه انتقاد از نظام جمهوری اسلامی به آسانی افتخار پیشگامی مبارزه با امپریالیسم و آمریکا را از جریان رادیکال چپ ستانده به رقیب قدرتمند خود در جریان اسلامگرا تسلیم کند! اشغال سفارت آمریکا را واکنشی تاکتیکی، انفعالی و ناگزیر در پاسخ به بحران‌های عدیده اجتماعی و اقتصادی دانگنیر حاکمیت، به‌ویژه جریان اسلامگرایی تحت رهبری امام خمینی ارزیابی نمود (پیکار، شماره ۲۹، صص. ۳-۱).

وقتی مجلس خبرگان متن نهایی قانون اساسی را تصویب کرد سازمان پیکار پس از ارزیابی کلی مفاد آن ضمن آن که تصریح نمود: «قانون اساسی خبرگان زنجیرست به پای زحمتکشان» (پیکار، شماره ۳۱، صص. ۲ و ۸)؛ و مدعی شد: «معتقدیم خلق قهرمان ایران این سند آشکارا ضد خلقی را، اگر نه امروز، که فردا پاره پاره خواهد کرد»؛ خاطر نشان نمود که: «از آنجایی که هیئت حاکمه وعده وعید خود را در مورد تشکیل مجلس مؤسسان زیر پا گذاشت و به جای آن مجلس خبرگان را با آن وضع درست کرد تا مانع از شرکت نیروهای انقلابی در این مجلس گردد؛ از آنجا که این مجلس با تصویب اصل ولایت فقیه حاکمیت خلق را بر سرنوشت خویش زیر پا گذاشته است؛ از آنجا که این مجلس، سرمایه‌داری را به رسمیت شناخته است؛ از آنجا که این مجلس آزادی‌های دموکراتیک را تحت لوای مذهب شیعه پایمال کرده است؛ از آنجا که این مجلس حقوق مسلم زحمتکشان را زیر پا گذاشته است؛ ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و توده‌های آگاه خلق رفراندوم کذایی [قانون اساسی در ۱۱ آذر ۱۳۵۸] را تحریم می‌کنیم» (پیکار، شماره ۳۰، صص. ۲۱ و ۲۴).

سازمان پیکار طی مطلب دیگری که در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ در هفته‌نامه پیکار منتشر کرد ضمن برشمردن ایرادات وارده بر متن قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان، در تبیین دلایل تحریم رفراندوم قانون اساسی چنین نتیجه‌گیری کرد: «این قانون اساسی به‌خواست خلق‌های ما پاسخ نمی‌دهد و زنجیرست به پای زحمتکشان. این قانون در واقع دهن کجی میوه‌چینان انقلاب و امثال بهشتی‌ها به مردم ستم‌دیده ماست و جز این

نمی‌توانست باشد؛ چرا که طبقه کارگر انتظاری جز این از بورژوازی و خرده‌بورژوازی مرفه سنتی ندارد. بنابر دلایل فوق و دلایل مشروح‌تری که قبل از این نیز در پیکار بدان پرداخته‌ایم و از آنجا که چنین قانونی را توهین به خلق خود می‌دانیم و معتقدیم که این قانون خون ۷۰ هزار شهید و یکصد هزار زخمی را که خلق ما در جریان انقلاب ناتمام خود، در آستانه انقلاب دموکراتیک و ضدامپریالیستی‌اش قربانی کرده است، پایمال می‌کند و همچنین به این دلیل که نحوه تشکیل این مجلس را که زیر پا گذاشتن قول مجلس مؤسسان و تقلب و عوام‌فریبی و اعمال‌نظرهای حزب جمهوری اسلامی و شرکاء آن همراه بود... قبول نداشتیم، شرکت در رفراندوم را تحریم کردیم» (پیکار، شماره ۳۲، ص. ۱۹).

بدین ترتیب سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که از همان آغاز از مسیر ناهمسازگری و مخالفت سیاسی رادیکال و کمابیش منازعه‌جویانه با کلیت نظام جمهوری اسلامی وارد شده بود در فاصله چندماهه رفراندوم تعیین نوع نظام تا برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی به گونه‌ای روزافزون تعارضات فکری و رویکرد سیاسی خود را در تقابل با حاکمیت آشکارتر و در عین حال آشتی‌ناپذیرتر کرد و هیچ نشان‌داد که می‌تواند و علاقمند است خواست‌ها و علایق سیاسی خود را در چارچوب نظام جمهوری اسلامی که قانون اساسی مصوب خبرگان هم حدود قانونی - حقوقی آن را تعیین و تبیین نمود، دنبال کند. سازمان پیکار با تحریم قانون اساسی نشان داد که تحزب و سیاست‌ورزی حزبی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی را نافی اصل تکثرگرایی و روش دموکراتیک حکمرانی مورد نظر خود ارزیابی می‌کند.

۴. سازمان پیکار در راه منازعه و مشروعیت‌زدایی از نظام جمهوری اسلامی

سازمان پیکار در آستانه برگزاری رفراندوم قانون اساسی، دیگر مشروعیت‌چندانی برای کلیت نظام جمهوری اسلامی قائل نبود و عملاً در مسیر رادیکالیسم و منازعه‌جویی گام برمی‌داشت. مخالفت و بلکه دشمنی سازمان پیکار فقط به جریان اسلامگرا محدود نمی‌شد (پیکار، شماره ۳۴، ص. ۱۹)؛ بلکه آن سازمان مارکسیست

لنینیست تمامیت‌خواه، که در ایجاد و گسترش بحران سیاسی - امنیتی در بخش‌های مختلف کشور نقش داشت (پیکار، شماره ۳۵، صص. ۶ و ۱۲ و ۱۴) به اکثری از دیگر احزاب و گروه‌های سیاسی چپ نیز، نگرش منازعه‌جویانه و حذفی کمابیش همسانی داشت (پیکار، شماره ۳۳، ص. ۱۱ و صص. ۱۶-۱۵ و پیکار، شماره ۳۴، صص. ۶۱-۶ و پیکار، شماره ۴۳، صص. ۱۷-۱۶). چنان‌که منازعه و درگیری‌های خونین میان کلیت نظام جمهوری اسلامی با حزب جمهوری خلق مسلمان (جمهوری اسلامی، شماره ۱۶۳، ص. ۴) را نه ناشی از «مبارزات انقلابی خلق ترک بر علیه ستم طبقاتی و ملی»، بلکه به دلیل «تضادها و درگیری‌های طبقات حاکم بر سر مسئله رهبری میان قدرتمندان مذهبی» ارزیابی می‌کرد که «میان لیبرال‌هایی از نوع [حسن] نزیه و [مقدم] مراغه‌ای و... از یک‌طرف و جناح خرده‌بورژوازی انحصارطلب در درون هیئت حاکمه از طرف دیگر، از مدت‌ها پیش بروز کرده» بود. به عقیده سازمان پیکار مخالفت «آقای شریعتمداری یا نزیه یا مقدم مراغه‌ای و دیگر همدستانشان با قانون اساسی دست‌پخت خبرگان» و «ولایت فقیه به مثابه ارتجاعی‌ترین نهاد و سمبل دیکتاتوری» به این دلیل صورت می‌گیرد که «منافع این خائنین به خلق، آن‌طور که خود می‌خواهند در این قانون و در دیگر مواضع هیئت حاکمه تأمین نشده است». سازمان پیکار هشدار می‌داد: «هر دو جناح علی‌رغم تمام دعوایشان در مقابل خلق و در مقابل انقلابند... و در این میان خلق‌های ستم‌دیده ما در همه کشور، آذربایجان، کردستان، بلوچستان و بقیه نقاط می‌بایست با آگاهی کامل نسبت به ماهیت و مقاصد هر دو سوی دعوای هر دو را طرد کرده هویت مبارزاتی مستقل و سازش‌ناپذیری انقلابی خود را در هر حرکت حفظ نمایند» (پیکار، شماره ۳۳، ص. ۱۶).

پیکار که شعار خود را تشکیل «حزب طبقه کارگر» و حکومت «جمهوری دموکراتیک خلق» بر مبنای «خودمختاری خلق‌ها در چهارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیک» قرار داده بود (پیکار، شماره ۴۰، ص. ۶ و شماره ۳۶، صص. ۳-۲)، نسبت به حزب توده ایران که از آن تحت عنوان «ریویزیونیست‌های توده‌ای» یاد می‌کرد جناح اکثریت سازمان چریک‌های فدایی خلق، اتحادیه کمونیست‌های ایران (پیکار، شماره ۳۶، صص. ۱۳-۱۲) و حزب رنجبران ایران نیز رویکرد مخالفت‌آمیز مشابهی داشت (پیکار، شماره ۳۴، صص. ۴-۳ و ۱۵-۱۴؛ و شماره ۳۶، ص. ۱۹). سازمان پیکار علاوه بر لنین، برای

شخص استالین رهبر اسبق شوروی هم احترام ویژه‌ای قائل بوده، معتقد بود: «استالین همیشه در قلب زحمتکشان جهان زنده است» (پیکار، شماره ۴۶، ص. ۲).

در آن میان مواجهه سازمان پیکار با گروه‌های سیاسی رادیکالی مانند کومله، حزب دموکرات کردستان ایران، جناح اقلیت و رادیکال‌تر سازمان چریک‌هایی فدایی خلق و تا حدی سازمان مجاهدین خلق (پیکار، شماره ۳۵، ص. ۲۰)، همگرایانه بود.

در حالی که پیکار ارگان رسمی سازمان پیکار حملات شدیدی را متوجه رهبری انقلاب و کلیت نظام جمهوری اسلامی می‌کرد و اعضای مسلح آن در صف ضدانقلاب و دیگر گروه‌های رادیکال و منازعه‌جو، در کردستان و برخی دیگر از مناطق بحرانی کشور با نیروهای حکومت مبارزه می‌کردند (پیکار، شماره ۳۵، صص. ۱۳-۱۲)؛ در مجموع مقامات مسئول در شورای انقلاب و سازمان‌های امنیتی و انتظامی، با راهپیمایی‌ها و میتینگ‌های سیاسی آن سازمان در شهرهای مختلف برخوردارهای مسالمت‌آمیز و مداراگرانه‌ای داشتند (پیکار، شماره ۳۵، ص. ۱۰).

در آستانه آغاز رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سازمان پیکار با مشروعیت‌زدایی از سازوکار حقوقی و قانونی حاکم بر نظام نوپای جمهوری اسلامی، خواستار تحریم انتخابات ریاست جمهوری شد (پیکار، شماره ۳۷، ص. ۱۴).

سازمان پیکار که از طرح خودمختاری کردستان حمایت می‌کرد و برخی واحدهای مسلح آن در صف گروه‌های سیاسی رادیکال و منازعه‌جو با نیروهای نظام جمهوری اسلامی در ستیز بودند به شدت مخالف خلع سلاح گروه‌های سیاسی بود و از مواضع کومله و دیگر گروه‌های سیاسی مسلح در کردستان حمایت می‌کرد (پیکار، شماره ۴۱، ص. ۶) و تنها مسیر تحقق خودمختاری را در ادامه مبارزه مسلحانه گروه‌های سیاسی رادیکال با حکومت جستجو می‌کرد (پیکار، شماره ۳۸، ص. ۲۱). به‌رغم شواهدی که نشان می‌داد سران ستاد خلق ترکمن در یک تسویه درون‌گروهی و توسط جناح رادیکال‌تر سازمان چریک‌های فدایی خلق به قتل رسیده‌اند؛ سازمان پیکار نظام جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران را عامل آن واقعه دانسته و با برگزاری میتینگ و راهپیمایی انتقادات شدیدی را متوجه آنها نمود (پیکار، شماره ۴۶، صص. ۱ و ۹).

با انتخاب ابوالحسن بنی‌صدر به مقام ریاست جمهوری، سازمان پیکار حملات

شدیدی را متوجه وی کرد که او «هم به مثابه یک بورژواالیبرال تمام عیار و به عنوان عنصری از هیئت حاکمه» همواره «از موضع حفظ منافع طبقاتی خود در کل سیستم ضدخلقی حاکم بر کشور حرکت کرده و از این رو طبیعتاً رو در روی خلق‌های ایران قرار می‌گیرد» (پیکار، شماره ۴۰، ص. ۱۹؛ شماره ۴۶، صص. ۱۱-۱۰). پیکار معتقد بود: «بنی‌صدر می‌کوشد که به نقطه تعادلی در تناسب نیروهای ناهمگون سهیم در قدرت تبدیل شود. او تلاش می‌کند که کل بورژوازی و لایه‌های مرفه خرده‌بورژوازی را در زیر یک پرچم به وحدت برساند، وحدتی حول برنامه‌ها و سیاست‌های بورژوائی خویش به‌منظور تثبیت پایه‌های لرزان و نامتعادل نظام سرمایه‌داری وابسته. این وحدت و آن تعادل را باید در هم شکست و اثرات آن را خنثی کرد» (پیکار، شماره ۴۶، ص. ۱۱).

در آستانه مبارزات انتخابات مجلس، سازمان پیکار به‌رغم آن‌که برای کلیت نظام جمهوری اسلامی مشروعیتی قائل نبود و نظام پارلمانی را اساساً شیوه بورژوائی حکومت و سیاست‌ورزی می‌دانست؛ با این مدعا که اکثریت تعیین‌کننده مردم کشور به‌دلیل ناآگاهی «هنوز خواست‌ها و مطالبات انقلابی را از این رژیم طلب می‌کنند» و به‌تبع آن «به‌راه‌حل‌های بورژوائی دل بسته‌اند» و این دل‌بستگی ناشی از ناآگاهی «ریشه عمیق در شرایط عینی و ذهنی موجود در جامعه دارد» که موجب شده است «هیئت حاکمه توده‌های میلیونی را به حمایت از خود به عرصه خیابان‌ها بکشاند» با استناد به‌تحلیل لنین حضور خود در انتخابات پیش روی مجلس را به‌دلایل زیر ضرورتی ناگزیر ارزیابی کرد: «لنین از یک اقلیت ناآگاه و دنباله‌رو بورژوازی سخن می‌گوید که وجود آن دلیلی کافی برای شرکت در پارلمان بورژوازی است. در حالی‌که ما نه با یک اقلیت محدود بلکه با اکثریت توده ناآگاهی روبرو هستیم که علی‌رغم نارضایتی از وضع موجود به‌رژیم و پارلمان و تمام راه‌حل‌ها و شیوه‌های بورژوائی دل بسته‌اند... ما به‌توده‌ها خواهیم گفت: بسیار خوب اکنون که شما به پارلمان دل بسته‌اید... ما به همراه شما در این انتخابات شرکت می‌کنیم... تا در تجربه خودتان به شما نشان دهیم که تصور شما از پارلمان یک تصور باطل و کاذب است و راه حل واقعی بهبودی وضع زندگیتان نه پارلمان بلکه انقلاب است... شرکت در انتخابات مجلس را باید به عرصه‌ای برای افشای نظامات موجود، محکوم ساختن ارتجاع و امپریالیسم و تمام

نیروهایی که به نحوی در حفظ و بقای سیستم موجود نقش داشته و در برابر رشد و تکامل انقلاب قرار گرفته‌اند، افشای خصلت ضدانقلابی بورژواالیبرال‌ها در هر شکل و رنگی که دارند... تبدیل ساخت» (پیکار، شماره ۴۳، صص. ۱۲-۱۱).

سازمان پیکار در ۶ اسفند ۱۳۵۸ شماری از کاندیداهای خود را معرفی نمود و «رئوس برنامه حداقل» خود را که اساساً مارکسیستی، تکثرگریز، تمامت‌خواهانه و مبتنی بر حذف اکثریت قریب به اتفاق احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش به انقلاب پیوسته بود به شرح زیر اعلام نمود: «مصادره و ملی کردن کلیه منابع و مؤسسات مالی... امپریالیستی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و وابسته... برجیدن و سرکوب تمام احزاب، سازمان‌ها و جمعیت‌های سیاسی و مطبوعاتی وابسته به امپریالیسم، سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و وابسته، دستجات ارتجاعی و فاشیستی... ایجاد نظام دموکراسی توده‌ای و دولت جمهوری دموکراتیک خلق با تشکیل شوراهای انقلابی خلق... ایجاد ارتش مسلح خلق مرکب از رزمندگان مسلح توده‌ای؛ پی‌ریزی نظام اقتصادی بر پایه منافع کارگران و زحمتکشان... تضمین آزادی تشکیل و فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و سازمان‌های سیاسی انقلابی و مترقی» (پیکار، شماره ۴۴، صص. ۹ و ۱۳).

سازمان پیکار مخالف دو مرحله‌ای شدن انتخابات بود و از آن به عنوان «قانون رسوای دو مرحله‌ای کردن انتخابات» یاد می‌کرد که هدف آن جلوگیری از «ورود نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی به مجلس شورای ملی» است (پیکار، شماره ۴۴، ص. ۱۴). به‌رغم آن که میتینگ‌های تبلیغاتی کاندیداهای سازمان پیکار کمابیش با آرامش برگزار می‌شد آن سازمان گروه‌های فشار وابسته به جریان اسلامگرایی تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران را عامل اصلی حمله به مقرها و تجمعات احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش رقیب معرفی می‌کرد (پیکار، شماره ۴۵، ص. ۱۶). رهبران پیکار به شدت مخالف خلع سلاح احزاب و گروه‌های سیاسی رادیکال و منازعه‌جو بوده و با «توطئه» خواندن آن بنی‌صدر، رئیس جمهور را به دلیل طرح ضرورت خلع سلاح عمومی به عنوان «نماینده ریاکار بورژوازی» مورد نکوهش قرار می‌دادند. این سازمان که مدعی بود حاکمیت توسط دو جریان ارتجاع و فاشیست (جریان اسلامگرا) و بورژوازی لیبرال وابسته احاطه شده است و از حمایت پیدا و پنهان

جریان چپ ریویزیونیست وابسته به شوروی و چین برخوردار است، به صراحت اعلام می‌کرد که به دلیل مشروعیت‌زدایی از کلیت نظام جمهوری اسلامی که مواجهه قهرآمیز و خونین احتمالی با آن را در آینده قابل پیش‌بینی ضروری ساخته است احزاب و گروه‌های سیاسی رادیکال و منازعه‌جو، برای مقابله ناگزیر با حکومت حتی بیش از دوره پهلوی نیازمند حفظ و ارتقاء موقعیت نظامی و تسلیحاتی خود هستند (پیکار، شماره ۴۷، صص. ۱ و ۱۱).

در نهایت سازمان پیکار فقط برای شهرهای تهران، سنج، سقز، تبریز، بروجرد، بندر انزلی، میاندوآب، سراوان، آبادان، آغاجری و مسجد سلیمان کاندیدا معرفی کرد و به اعضا و هواداران خود توصیه کرد در شهرهایی که سازمان کاندیدایی معرفی نکرده است به ترتیب اولویت به نامزدهای پنج سازمان و گروه سیاسی زیر رأی بدهند: «رزمندگان آزادی طبقه کارگر، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله)، راه کارگر، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران» (پیکار، شماره ۴۶، ص. ۹). سازمان پیکار به‌ویژه حملات شدیدی را متوجه حزب جمهوری اسلامی و کاندیداهای آن در انتخابات مجلس شورای ملی می‌کرد. پیکار حزب جمهوری اسلامی را به اقسامی از انحصارطلبی، تمامیت‌خواهی، تقلب و اعمال نفوذ پیشاپیش در انتخابات و بهره‌گیری از موقعیت انحصاری خود در شورای انقلاب، دستگاه قضایی و نیز چماقداران، گروه‌های فشار و نیروهایی مانند سپاه پاسداران برای پیشبرد مقاصد سیاسی‌اش متهم می‌نمود (پیکار، شماره ۴۷، صص. ۱۰-۹).

سازمان پیکار که کاندیداهایش رأی لازم را برای ورود به مجلس شورای ملی کسب نکرده بودند (جمهوری اسلامی، شماره ۲۴۴، صص. ۱ و ۱۰) حزب جمهوری اسلامی و کلیت جریان اسلامگرا را به تقلب و اعمال نفوذ در انتخابات متهم کرد (پیکار، شماره ۴۹، صص. ۲-۱ و ۱۵) و در آستانه سال ۱۳۵۹ در هفته‌نامه پیکار ارگان رسمی خود در سالگرد فروردین ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ انتقادات شدیدی را متوجه کلیت نظام جمهوری اسلامی نمود. این سازمان در ۱۰ فروردین ۱۳۵۹ با یادآوری سالگرد درگذشت «قاضی محمد اولین رئیس جمهور حکومت خودمختار کردستان» بار دیگر از طرح خودمختاری کردستان حمایت کرده، مواجهه قهرآمیز و مسلحانه گروه‌های سیاسی

رادیکال و منازعه‌جوی حاضر در صحنه سیاسی کردستان با نظام جمهوری اسلامی را ستود و از تداوم «مبارزه بی‌امان خود» با نظام جمهوری اسلامی «در راه برپایی ایرانی آزاد و آباد، مستقل و دموکراتیک همراه با خلق‌گرد و دیگر خلق‌های مبارز ایران» سخن به میان آورد (پیکار، شماره ۴۸، ص. ۱۶).

در حالی که در فروردین ۱۳۵۹ بحث ضرورت تخلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از ستادها و دفاتر سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی مطرح بود سازمان پیکار که به‌عنوان یک تشکل رادیکال و کمابیش منازعه‌جوی مسلح در دانشگاه حضور بحران‌آفرین محسوسی داشت. در ۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ با این طرح مخالفت کرد و با انتقاد شدید از نظام جمهوری اسلامی اعلام نمود از هیچ تلاشی برای عقیم‌گذاشتن این طرح و تداوم حضور سیاسی خود در محیط‌های دانشگاهی فروگذار نخواهد کرد (پیکار، شماره ۵۱، صص. ۲-۱). سازمان پیکار در ۸ اردیبهشت ۱۳۵۹ سازمان مجاهدین خلق را مورد انتقاد قرار داد که در برابر کلیت نظام جمهوری اسلامی مصلحت‌اندیشی نموده، سیاست مدارا و همگرایی در پیش گرفته است و «در طول یکساله پس از قیام [مقصود پس از پیروزی انقلاب است] مرتباً از ظرفیت انقلابی آنان کاسته و در عرصه سیاست، مدام آنان را از موضع رادیکال انقلابی به مواضع لیبرالی و سازشکارانه نزدیک نموده است» (پیکار، شماره ۵۲، ص. ۲) پیکار انتقادات کمابیش مشابه ولی تندتری را هم متوجه مشی ریویزیونیستی همگرایانه و مداراجویانه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در قبال نظام جمهوری اسلامی می‌کرد و خواستار مقاومت تمام و کمال آن دو سازمان در برابر طرح تخلیه ستادهای گروه‌های سیاسی از فضاهای دانشگاهی بود (پیکار، شماره ۵۲، صص. ۴-۵).

پیکار طی شماره‌های آتی خود به‌گونه‌ای شدیدالحن طرح پاکسازی دانشگاه‌ها از احزاب و گروه‌های سیاسی را محکوم می‌کرد و از گروه‌های سیاسی رادیکال و منازعه‌جوی صحنه سیاسی و نظامی کردستان و دیگر مناطق کشور که با نیروهای جمهوری اسلامی در حال نبرد بودند تمجید و تحسین می‌کرد و «یاد شهدای به‌خون خفته خلق» را «که در روزهای اخیر در کردستان و در دانشگاه‌های سراسر کشور» در مواجهه با نیروها و هواداران نظام جمهوری اسلامی «به‌شهادت رسیدند» گرامی

می‌داشت (پیکار، شماره ۵۳، صص. ۹-۱ و ۱۶-۱۵؛ شماره ۵۴، صفحات متعدد).

سازمان پیکار ضمن آنکه حمله نظامی بدفرجام آمریکا برای آزادسازی گروگان‌ها را محکوم کرد، مدعی شد: «این گونه توطئه‌ها تا زمانی که پایگاه داخلی امپریالیسم در ایران، یعنی سیستم سرمایه‌داری وابسته خرد و نابود نشده است و زحمتکشان به حاکمیت نرسیده‌اند، ادامه خواهد یافت» (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۱۲۹، ص. ۱۰).

بدین ترتیب سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در فاصله برگزاری رفراندوم قانون اساسی تا آستانه گشایش نخستین مجلس شورای ملی در ۷ خرداد ۱۳۵۹، بیش از پیش در مسیر ناهمسازگری، رادیکالیسم و منازعه‌جویی با کلیت نظام جمهوری اسلامی و اکثریت احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش موسوم به سهامداران انقلاب گام نهاد.

۵. سازمان پیکار؛ مبارزه مسلحانه و پایان یک دوره

در آستانه گشایش مجلس شورای ملی در خرداد ۱۳۵۹ سازمان پیکار مدت‌ها بود که دیگر برای کلیت نظام جمهوری اسلامی مشروعیتی قائل نبود و با همکاری و حمایت از گروه‌های سیاسی منازعه‌جو در کردستان و دیگر مناطق کشور (پیکار، شماره ۵۸، ص. ۵)، عملاً در مسیر مبارزه مسلحانه با حاکمیت گام برمی‌داشت. این سازمان استالینیست - (پیکار، شماره ۸۶، ص. ۹) مائوئیست (پیکار، شماره ۷۲، ص. ۲۰) رادیکال، علاوه بر جریان اسلامگرا که آن را به‌تمامیت‌خواهی، قدرت‌طلبی و فاشیسم متهم می‌کرد (پیکار، شماره ۶۵، صص. ۲-۱؛ شماره ۶۶، ص. ۲) و مدعی بود «امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی ایران بر سر بازسازی کامل سیستم سرمایه‌داری وابسته و سرکوب زحمتکشان با یکدیگر وحدت دارند» (پیکار، شماره ۶۵، ص. ۷) نسبت به اکثری از احزاب و گروه‌های سیاسی چپ، ملی‌گرای لیبرال و ترکیبی^۱ هم، رویکردی خصمانه و حذفی دنبال می‌کرد و خواستار تشکیل یک نظام تمامت‌خواه سراسر مارکسیست-لنینیست در ایران

۱. مقصود از جریان ترکیبی اشاره به احزاب و گروه‌های سیاسی است که مبانی فکری و رویکرد سیاسی آنها ترکیب و تلفیقی از دو یا چند گفتمان سیاسی مختلف بود (مانند نهضت آزادی ایران، سازمان مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز، جاما).

بود.^۱ پیکار به‌ویژه از مبارزه مسلحانه کومله و دیگر گروه‌های منازعه‌جوی کردستان با جمهوری اسلامی حمایت می‌کرد و سپاه پاسداران را «ابزار سرکوب هیئت حاکمه» می‌نامید که در کردستان «جنایت» می‌کند (پیکار، شماره ۵۹، ص. ۱۵). اعضای سازمان پیکار در کردستان در کنار کومله و دیگر گروه‌های منازعه‌جو با نیروهای نظام جمهوری اسلامی می‌جنگیدند (پیکار، شماره ۶۲، صص. ۶ و ۱۴). پیکار از نیروهای نظامی حکومت با عنوان «مزدوران رژیم» یاد می‌کرد که با «پیشمرگان دموکرات، کومله و پیکار» می‌جنگند (پیکار، شماره ۷۰، ص. ۵). پیکار مدعی بود «جنایات پاسداران مردم را به یاد جنایات ساواک می‌اندازد» (پیکار، شماره ۸۳، ص. ۲۸).

پیکار در این مقطع شعارهای خود را «برقرار باد خودمختاری خلق‌ها در چهارچوب ایرانی مستقل و دموکرات»، «برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق»، «رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم» و «پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگر» قرار داده بود (پیکار، شماره ۶۱، ص. ۴؛ شماره ۶۲، ص. ۲؛ شماره ۶۳، ص. ۱۶). با افزایش تدریجی تعارضات فیما بین مجاهدین خلق با جریان اسلامگرا، پیکار «حمایت از مجاهدین خلق» را نیز «وظیفه نیروهای انقلابی» دانست (پیکار، شماره ۵۹، ص. ۱۶) اگرچه نسبت به هر گونه احتمال نزدیکی آن سازمان به بنی‌صدر «بورژوا- رفرمیست دوران‌دیش» هشدار داد (پیکار، شماره ۶۳، ص. ۱۰). هم‌چنان‌که با فاصله گرفتن تدریجی سازمان چریک‌های فدایی خلق (اکثریت) از روش‌های منازعه‌جویانه در مواجهه با جمهوری اسلامی، مواضع پیکار در برابر آن سازمان خصمانه شد (پیکار، شماره ۶۱، ص. ۱۰؛ شماره ۶۴، صص. ۶-۱) و آن را رویزیونیست، سازشکار و خائن خواند (پیکار، شماره ۶۹، صص. ۴-۱؛ شماره ۹۱، ص. ۲).

پیکار از مواضع دوگانه (مذاکره توأم با مبارزه مسلحانه) به‌ویژه جناح معتدل حزب دموکرات کردستان در برابر جمهوری اسلامی ناراضی بود و نسبت به اتخاذ هرگونه رویکرد «رویزیونیستی» و «سازشکارانه» آن حزب در مواجهه با حاکمیت هشدار می‌داد (پیکار، شماره ۶۲، صص. ۱۴-۱۱). پیکار حزب توده را نیز هم‌چنان اپورتونیست، رویزیونیست، سازشکار و عامل «سوسیال امپریالیسم شوروی» می‌دانست (پیکار، شماره

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: پیکار، س ۲، ش ۵۷، دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹ (و ضمیمه)؛

و س ۲، ش ۵۸، دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۵۹، صص. ۲۰-۱۵ (و ضمیمه)

۶۸، صص. ۲-۱؛ شماره ۷۱، ص. ۱۴). هنگامی که از اواخر سال ۱۳۵۹ رابطه پیکار با حزب دموکرات کردستان رو به تیرگی نهاده، درگیری‌های خونینی میان نیروهای دو طرف در کردستان روی داد، این سازمان انتقادات شدیدی را نیز متوجه آن حزب کرد (پیکار، شماره ۹۹، ص. ۶؛ شماره ۱۰۸، صص. ۱ و ۵).

سازمان پیکار در دی ۱۳۵۹ با گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (پیکار خلق) ادغام و با همان عنوان «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» فعالیت خود را پی گرفتند (پیکار، شماره ۸۹، صص. ۱ و ۱۵). با افزایش تدریجی اختلافات فی‌مابین جریان اسلامگرا (نماد ارتجاع) و حامیان بنی‌صدر (نماد لیبرالیسم) سازمان پیکار ضمن آن که این اختلافات را به‌سود «توده‌ها» ارزیابی کرد، اما تصریح هم نمود برای هیچ‌یک از دو جریان رقیب در چارچوب نظام جمهوری اسلامی مشروعیتی قائل نیست و از شعار «علیه حزب جمهوری اسلامی، علیه لیبرال‌ها، زنده باد پیکار توده‌ها» حمایت می‌کند (پیکار، شماره ۸۹، صص. ۹ و ۱۸). پیکار «رسالت خط امام» را «ممانعت از در هم‌شکستن سلطه امپریالیسم»، «حافظ سیستم سرمایه‌داری وابسته» و «سرکوب دموکراسی و انقلاب» می‌خواند (پیکار، شماره ۹۱، ص. ۱۴).

سازمان پیکار که راه مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی را برگزیده بود و هر از گاه در شهرهای مختلف درگیری‌هایی با نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی پیدا می‌کرد و اعضا و هواداران آن در معرض برخوردهای قضایی قرار داشتند.^۱ از اوایل سال ۱۳۶۰ بدان سو که بحران سیاسی فی‌مابین جریان اسلامگرای حاکمیت و حامیان بنی‌صدر گسترش روزافزونی یافت، دامنه درگیری‌های سازمان پیکار با سپاه پاسداران، کمیته‌های انقلاب و دیگر حامیان نظام جمهوری اسلامی و حملات آن به‌اهداف نزدیک به حکومت افزایش یافت و در همان حال برخورد دستگاه قضایی با آن سازمان شدیدتر شد.

پیکار انتقادات شدیدی را متوجه اطلاعیه ده ماده‌ای دادستانی کل انقلاب در موضوع فعالیت احزاب سیاسی (روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۵۰۹، ص. ۲) کرد و «گردن

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۳۴۲، ص. ۱۱؛ روزنامه اطلاعات، ش ۱۶۲۲۰، ص. ۱۵؛ ش ۱۶۳۶۸، ص. ۴۲؛

ش ۱۶۳۷۴، ص. ۴؛ ش ۱۶۳۸۲، صص. ۲-۱؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۴۰۰، ص. ۲؛ ش ۴۳۶، ص. ۷.

گذاشتن نیروهای سیاسی به این قانون ارتجاعی» را «به معنای تبدیل شدن به یک سازمان سیاسی بورژوائی و به دور انداختن درونمایه انقلابی» و «پشت کردن به مبارزه طبقاتی و خیانت به توده‌ها» ارزیابی کرد و مدعی شد «فقط نیروهائی چون حزب توده و اکثریت و سه جهانی‌های خائن^۱ و یا نیروهائی که بخواهند از این پس به آرمان انقلاب خیانت ورزند و به در یوزگی در آستان بورژوازی پردازند، می‌توانند به به‌گویان چنین قوانینی باشند و به آن گردن بگذارند» (پیکار، شماره ۱۰۱، صص. ۸ و ۳۲). پیکار انتقادات شدیدی را هم متوجه لایحه قصاص کرد و «ماهیت» آن را طبقاتی و «تنها در خدمت طبقات استثمارگر و بر ضد کارگران و زحمتکشانشان و همه ستمدیدگان» ارزیابی نمود و تصریح کرد: «کارگران و زحمتکشانشان و نیروهای کمونیست و انقلابی این قوانین ارتجاعی را همراه با صاحبان و اجراکنندگان آنها به زیاله‌دان تاریخ خواهند سپرد» (پیکار، شماره ۱۰۶، صص. ۱۳ و ۱۵).

به دنبال عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری و اعلام جنگ مسلحانه سازمان مجاهدین خلق علیه نظام جمهوری اسلامی در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، سازمان پیکار هم به‌رغم تعارضات سیاسی و ایدئولوژیکی با کلیت جریان ملی‌گرای لیبرال، اکثری از گروه‌های چپ و تا حدی با سازمان مجاهدین خلق، خواسته یا ناخواسته در هدف مشترک مبارزه تا سرنگونی نظام جمهوری اسلامی با براندازان ناهمسو همدستان گردید. طی ماه‌های آتی درگیری‌های خونین شدید روزافزونی میان نیروهای نظام جمهوری اسلامی با اعضا و هواداران پیکار در مناطق مختلف کشور روی داد ده‌ها و بلکه صدها تن از اعضا و هواداران پیکار دستگیر، محاکمه، زندان و احیاناً اعدام شدند.^۲

۱. در ادبیات سیاسی آن دوره تعریف روشنی از اصطلاح سه جهانی ارائه نشده است.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۵۹۱، صص. ۸؛ ش ۶۱۳، صص. ۴؛ ش ۶۳۸، صص. ۹؛ ش ۳، صص. ۴؛ ش ۶۵۵، صص. ۲؛ روزنامه اطلاعات، ش ۱۶۴۵۷، صص. ۲-۱؛ ش ۱۶۴۵۸، صص. ۱۵؛ ش ۱۶۵۵۹، صص. ۲-۱؛ ش ۱۶۴۶۷، صص. ۹؛ ش ۱۶۴۶۹، صص. ۲؛ ش ۱۶۴۷۹، صص. ۴؛ ش ۱۶۴۸۸، صص. ۴؛ ش ۱۶۴۹۵، صص. ۲؛ ش ۱۶۵۱۳، صص. ۱۳؛ ش ۱۶۵۲۱، صص. ۲؛ ش ۱۶۵۳۷، صص. ۱۳.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش ما را به‌نتایج زیر رهنمون می‌سازد:

تمایلات سیاسی و مبانی ایدئولوژیکی مارکسیستی - لنینیستی - استالینیستی سازمان پیکار که آشکارا رویکردی مداراگریز و تمامیت‌خواهانه داشته و حذف اکثر قریب به تمام کلیه جریان‌های سیاسی رقیب را دنبال می‌کرد؛ نافی هرگونه تکثرگرایی، تحزب و سیاست‌ورزی مسالمت‌آمیز حزبی حتی در چارچوب یک نظام سیاسی سراسر دموکراتیک بود.

ناهمسازگری، رادیکالیسم و منازعه‌جویی سازمان پیکار در گسترش بحران‌های سیاسی - امنیتی و به‌تبع آن، فرصت‌زدایی از تکثرگرایی و تقویت روش‌های دموکراتیک و مداراجویانه‌تر سیاست‌ورزی، در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران نقش کمی نداشت.

سازمان تمامیت‌خواه و انحصارطلب پیکار، خواستار تشکیل حکومتی مارکسیستی در ایران بود و نسبت به اکثر قریب به تمام احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش رقیب، کمابیش نگرشی حذفی دنبال می‌کرد.

سازمان پیکار انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ را انقلابی ناتمام ارزیابی می‌کرد و به‌تبع آن در گسترش رادیکالیسم و منازعه‌جویی و به‌تبع آن جلوگیری از شکل‌گیری و نهادینه‌شدن تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی جریان‌های سیاسی رقیب، نقش مؤثری ایفا می‌کرد.

ملاحظات اخلاقی

حامی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده در آماده‌سازی مقاله به طور کامل مشارکت داشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- احمدی حاجیکلاهی، حمید (۱۳۸۷). *جریان‌شناسی چپ در ایران*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- احمدی روحانی، حسین (۱۳۸۴). *سازمان مجاهدین خلق*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- برنامه تاریخ شفاهی: مصاحبه با آقای دکتر امیرحسین گنج‌بخش (۱۶ و ۲۳ ژوئن ۱۹۹۱). مصاحبه کننده: هرمز حکمت. بتزدا و مریلند: بنیاد مطالعات ایران.
- بهروز، مازیار (۱۳۸۰). *شورشیان آرمانخواه: ناکامی چپ در ایران*. ترجمه مهدی پرتوی، تهران: امیرکبیر.
- پیکار، شماره ۱۰۱، دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۶۰.
- پیکار، شماره ۵۳، دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۵۷، دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۵۸، دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۵۹، دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۶۱، دوشنبه ۹ تیر ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۶۲، دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۶۳، دوشنبه ۲۳ تیر ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۶۴، دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۶۵، دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۶۶، دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۶۸، دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۶۹، دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۷۰، دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۷۱، دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۷۵، شنبه ۱۲ مهر ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۸۳، دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۸۴، دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۵۹.

- پیکار، شماره ۸۶، دوشنبه ۱ دی ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۸۹، دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۹۱، دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۹۹، دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۰.
- پیکار، شماره ۱۰۶، دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۰.
- پیکار، شماره ۱۰۸، دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۶۰.
- پیکار، شماره ۱۱۱، دوشنبه ۱ تیر ۱۳۶۰.
- پیکار، شماره ۱۰، ۱۱ تیر ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۱۴، ۸ مرداد ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۱۶، ۲۲ مرداد ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۱۹، دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۲، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۲، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۲۱، دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۲۲، دوشنبه ۲ مهر ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۲۵، دوشنبه ۲۳ مهر ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۲۹، دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۳، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۳، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۳۰، دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۳۱، دوشنبه ۵ آذر ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۳۲، دوشنبه ۱۲ آذر ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۳۳۴، دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۳۴، دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۳۵، دوشنبه ۳ دی ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۳۶، دوشنبه ۱۰ دی ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۳۷، دوشنبه ۱۷ دی ۱۳۵۸.

- پیکار، شماره ۳۸، دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۴، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۴۰، دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۴۱، دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۴۳، دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۴۴، دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۴۵، دوشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۴۶، دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۴۷، دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۴۸، دوشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۴۹، دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۵۱، دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۵۲، دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۵۴، دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۹.
- پیکار، شماره ۶، ۱۴ خرداد ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۸، ۲۸ خرداد ۱۳۵۸.
- پیکار، شماره ۷۲، دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹.
- خمینی، (امام) سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۱۲۹، سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۵۹.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۲۲۰، شنبه ۱ شهریور ۱۳۵۹.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۳۶۸، سه‌شنبه ۵ اسفند ۱۳۵۹.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۳۷۴، سه‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۵۹.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۳۸۲، پنجشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۵۹.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۴۵۷، یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۶۰.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۴۵۸، دوشنبه ۱ تیر ۱۳۶۰.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۴۶۷، شنبه ۱۳ تیر ۱۳۶۰.

- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۴۶۹، دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۰.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۴۷۹، شنبه ۲۷ تیر ۱۳۶۰.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۴۸۸، چهارشنبه ۷ مرداد ۱۳۶۰.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۴۹۵، شنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۰.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۵۱۳، یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۶۰.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۵۲۱، سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۰.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۵۳۷، دوشنبه ۶ مهر ۱۳۶۰.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۵۵۹، سه‌شنبه ۲ تیر ۱۳۶۰.
- روزنامه آیندگان، شماره ۳۳۲۰، پنجشنبه ۹ فروردین ۱۳۵۸.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۱۶۳، دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۵۸.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۰۰، یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۵۹.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۳۶، شنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۹.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۵۹۱، دوشنبه ۱ تیر ۱۳۶۰.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۶۱۳، شنبه ۲۷ تیر ۱۳۶۰.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۶۳۸، سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۶۰.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۶۴۳، دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۰.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۶۵۵، سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۰.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۲۴۴، شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۵۹.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۴۲، دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۹.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۱). جستارهای روشی در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (جلد اول). تهران: عروج.
- مهرآبادی، مظفر (۱۳۵۴). بررسی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴ ه.ش. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی